

یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

مسئول محترم دفتر نهاد رهبری حجه الاسلام والمسلمین دکتر جواد خسروی ضمن آرزوی قبولی طاعات و عبادات و امیدواری به خداوند به این جهت که بهترین مقدرات را برای امسال ما مقدر کرده باشند؛

فرمودند: من نگاه کردم انسان اعمالی را که انجام میدهد باید یک میزان سنجشی برای آن داشته باشد؛ در زیارتنامه امیرالمومنین (ع) هم خود حضرت به عنوان میزان اعمال معرفی شده اند (السلام علیک یا میزان الاعمال یا ابالحسن یا امیرالمومنین)

لذا این نکته به ذهن می آید که مگر ما میتوانیم مثل حضرت عبادت و بندگی کنیم؛ تا خومان را با ایشان مقایسه کنیم؟

در پاسخ گفته اند؛ اینکه حضرت به عنوان میزان اعمال معرفی میشوند نه این هست که انسان دقیقا خودش را به ایشان تطبیق بدهد چون حضرت فرمودند (کسی به مانند من نمیتواند زندگی کند) بلکه این هست که اگر ایشان قله هستند انسان تلاش کند در دامنه ایشان حرکت بکند. دکتر خسروی در ادامه بیان داشتند: انسان وقتی جملات بزرگانی مثل سید رضی در مقدمه نهج البلاغه را می بیند؛ که نوشته "وقتی انسان زهد علی ابن بیطالب را نگاه میکند فکر میکند ایشان هیچ کاری نداشته اند جز اینکه زاهدانه زندگی نمایند" یا "وقتی که بحث جهاد میشود؛ میبیند که گویا ایشان فقط یک جنگجو بوده اند.

اما چه اتفاقی افتاد که حضرت در آن جامعه محصور شدند و به قدری مورد ستم قرار گرفتند که دیگر این اواخر حضرت امیر با اینکه بعد از رسول گرامی اسلام مقامش از همه انبیا بالاتر است اما میبینیم در خیلی از خطبه ها مداوم خودشان را نفرین میکنند و میگویند خداوند من را از شما بگیرد و بدتر از من را بر شما مسلط گرداند. من با بررسی که داشتم دیدم که چند عامل بود که جنگ ها را به وجود آورد و باعث شد که حضرت به شهادت برسند.

یکی از آنها بلند پروازیهای خواص بود مخصوصا طلحه و زبیر که خود ابن ابی الحدید که شیعه نیست و معتزلی است نقل میکند؛ یکی از دلایلی که جنگ جمل واقع شد و نزدیک سیزده هزار نفر کشته شدند عامل اصلی بلند پروازیهای طلحه و زبیر بود که میخواستند خودشان را بالاتر از بقیه ببینند.

عامل دوم: بحث عدالت ورزی حضرت امیر بود که شخصی مثل جرج جرداق مینویسد (علی بخاطر شدت عدالتش به قتل رسید) چون حضرت در اجرای عدالت اصلا مسامحه نداشتند.

عامل دیگر دنیا خواهی اهل جمل بود و یکی از دلایلی که طلحه و زبیر رفتند و جنگ را راه انداختند این بود که پشت سر علی ابن ابی طالب گفتند که حضرت دیگر ما را نمییند و وقتی که حضرت میخواستند بیت المال را تقسیم نمایند به همه بدون استثناء سه دینار میدادند به ایندو هم که رسیدند همین سه دینار را دادند.

عامل بعدی این هست که اینها توقع داشتند که حضرت اینها را در مشورت های عالی خود همراه نماید و حضرت میفرمودند که شما به دنبال مصالح فردی خودتان هستید.

اینها که عرض میکنم متأسفانه تطبیقش در جامعه هم هست یعنی گاهی از اوقات مخصوصاً ایام انتخابات جریان های سیاسی مصالح فردی را بر مصالح عمومی اولی می بینند. حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا خسروی در پایان بیان داشتند:

آخرین مورد اینکه حضرت امیر نسبت به اصول یک لحظه کوتاه نمی آمدند مثل اینکه فرمودند اگر کسی از بیت المال خلخالی؛ برای همسرش تهیه کرده من آنرا باز میکنم یا اینکه حضرت عازم شام بودند برای جنگ با معاویه که جنگ نهروان واقع شد چون به حضرت گفتند فلان شخص با همسرش توسط خوارج گرفته شده و به قتل رسیده اند و شکم همسرش را دریده و طفل داخل آن را بیرون آوردند که حضرت فرمودند ما باید تکلیفمان را با اینها معلوم نماییم.

و در پاسخ به این سؤال که چه اتفاقی برای اهل نهروان افتاد؟ چون اینها یاران حضرت در جنگ صفین بودند؛ حضرت دو؛ سه بار میفرمایند؛ اینها مغلوب هوای نفس شدند.

انشاءالله ما بتوانیم با استفاده از ماه رمضان انسان عباداتش به جایی منجر بشود که بتواند این هوای نفس را مدیریت کند که کار بسیار سختی هم هست .